

معرفی کتاب:

«ملت‌ها در لحظه‌های سرنوشت‌ساز»

چگونه جوامع بحران‌ها را مدیریت می‌کنند

تألیف: دکتر مسعود افتخاری

این پرسش، به‌خصوص برای خوانندگان، می‌تواند این کتاب را از یک اثر درباره «مدیریت بحران» به بحثی درباره سرنوشت تاریخی جامعه ایران و امکان عبور از بحران‌های انباشته تبدیل کند. در ادبیات معاصر نیز همین تمایز میان «بقا» و «گذار/نوسازی» و نقش نهادهای مدنی و ظرفیت حکمرانی در لحظات بحرانی مورد توجه قرار گرفته است.



دکتر مسعود افتخاری - معرفی کتاب در نمایشگاه کتاب بدون سانسور - استکهلم - هشتم اوت ۲۰۲۶

نویسنده در ابتدای کتاب و در بخش «سخنی با خوانندگان»، می‌نویسد:

آنچه مرا به نوشتن این کتاب واداشت، پرسشی ساده اما عمیق بود:

چرا برخی ملت‌ها در برابر بحران‌ها فرو می‌ریزند، در حالی که برخی دیگر، از همان بحران‌ها، فرصتی برای بازسازی و پیشرفت می‌سازند؟ چگونه ممکن است کشوری که روزی در ویرانی جنگ یا فروپاشی اقتصادی گرفتار بوده، چند دهه بعد به یکی از پیشرفته‌ترین جوامع جهان تبدیل شود؟ و در مقابل، چرا برخی جوامع با وجود برخورداری از منابع فراوان، همچنان در چرخه‌ای از بحران‌های پی‌درپی باقی می‌مانند؟ (ص ۱۵)

هدف این کتاب، ارائه پاسخ‌های قطعی و ساده برای مسائل پیچیده تاریخ نیست. تاریخ جوامع انسانی همواره پیچیده‌تر از آن است که در قالب چند فرمول، خلاصه شود. با این حال، تأمل در تجربه‌های گذشته، می‌تواند به ما کمک کند تا درک عمیق‌تری از مسیرهای ممکن پیش‌رو پیدا کنیم. (ص ۱۶)

چرا چنین است؟

بی‌سواد تاریخی، بی‌تردید بخشی از پاسخ است. در دوره‌هایی طولانی، امکان ثبت دقیق تجربه‌ها محدود بوده و بخش بزرگی از آنچه رخ داده، به‌صورت شفاهی منتقل شده است. اما این تنها بخشی از ماجراست. در لایه‌ای عمیق‌تر، باید به نوع نگاه جمعی بازگشت. جامعه‌ی ایرانی، در طول تاریخ، بیش از آنکه در ثبات زندگی کرده باشد، در بی‌ثباتی زیسته است. در چنین شرایطی، ذهن جمعی به‌طور طبیعی بر «عبور» تمرکز می‌کند، نه بر «فهم». وقتی مسئله‌ی اصلی، زنده ماندن است، فرصت برای اندیشیدن به چرایی‌ها، کاهش می‌یابد. جامعه می‌پرسد: چگونه دوام بیاوریم؟ نه این که چرا چنین

شد؟

این تمرکز بر بقا، اگرچه در کوتاه مدت ضروری است، اما در بلند مدت، هزینه‌ای سنگین دارد: ناتوانی در یادگیری جمعی. (ص ۱۸)

بحران اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که یک جامعه با رویداد یا مجموعه‌ای از رویدادها روبه‌رو شود که **نظم عادی** زندگی جمعی را مختل کند، **امنیت و ثبات عمومی** را به چالش بکشد و **آینده جامعه** را در معرض عدم قطعیت قرار دهد. این بحران‌ها می‌توانند ریشه‌های گوناگونی داشته باشند: جنگ‌های ویرانگر، فروپاشی‌های اقتصادی، بلایای طبیعی، انقلاب‌های سیاسی، قحطی‌های گسترده یا حتی تغییرات عمیق اجتماعی و فرهنگی. (ص ۲۸)

کارل مارکس - بحران به مثابه تناقض ساختاری

در میان‌اندیشمندانی که به تحلیل بحران پرداخته‌اند، مارکس جایگاهی ویژه دارد. نگاه مارکس به بحران، نه صرفاً به‌عنوان یک رویداد گذرا یا اختلالی موقتی، بلکه به مثابه بخشی ذاتی و اجتناب‌ناپذیر از ساختار نظام‌های اجتماعی و اقتصادی است. مارکس بر این باور بود که هر نظام اقتصادی، در درون خود حامل مجموعه‌ای از «تناقض‌ها» است - تناقض‌هایی که به تدریج انباشته می‌شوند و در نهایت به شکل بحران بروز می‌کنند. این بحران‌ها، از نظر او، نه استثنا بلکه قاعده‌اند؛ نه نشانه ضعف موقتی، بلکه پیامد طبیعی عملکرد درونی سیستم می‌باشند. در تحلیل مارکس، نظام سرمایه‌داری نمونه‌ای برجسته از این وضعیت است. سرمایه‌داری، با هدف انباشت سرمایه و افزایش سود، به‌طور مستمر به گسترش تولید، بهره‌کشی از نیروی کار و تمرکز ثروت در دست اقلیتی محدود گرایش دارد. در مقابل، اکثریت جامعه - یعنی طبقه کارگر - با دستمزدهایی محدود و شرایطی نابرابر مواجه می‌شود. این شکاف، به تدریج به نوعی بی‌تعادلی ساختاری منجر می‌گردد: تولید، افزایش می‌یابد، اما قدرت خرید بخش بزرگی از جامعه، کاهش پیدا می‌کند. این وضعیت، آن‌گونه که مارکس در جلد نخست کاپیتال شرح می‌دهد، به بحران‌های ادواری منجر می‌شود - بحران‌هایی که در آن‌ها، کالاها تولید می‌شوند اما بازار قادر به جذب آن‌ها نیست، سرمایه انباشته می‌شود اما سودآوری کاهش می‌یابد و در نهایت، رکود، بیکاری و نارضایتی اجتماعی گسترش پیدا می‌کند.

اما آنچه نگاه مارکس را متمایز می‌کند، این است که او بحران را صرفاً یک «فاجعه» نمی‌بیند. از نظر او، بحران در عین حال «موتور تغییر تاریخی» است. بحران‌ها، لحظاتی هستند که در آن‌ها تناقض‌های پنهان، آشکار می‌شوند؛ ساختارهای تثبیت‌شده به چالش کشیده می‌شوند؛ و امکان دگرگونی‌های بنیادین فراهم می‌گردد. به بیان دیگر، بحران در اندیشه مارکس، هم ویرانگر است و هم زاینده. ویرانگر، زیرا نظم موجود را بر هم می‌زند؛ و زاینده، زیرا امکان شکل‌گیری نظامی جدید را فراهم می‌کند.

این نگاه، اگرچه در بستر تحلیل اقتصادی شکل گرفته است، اما می‌تواند به گونه‌ای گسترده‌تر نیز فهم شود. حتی در سطح اجتماعی و سیاسی، بسیاری از بحران‌ها - از ناآرامی‌های اجتماعی گرفته تا جنگ‌ها - می‌توانند به‌عنوان پیامدهایی از تناقض‌های حل‌نشده در ساختارهای قدرت، توزیع منابع و هویت‌های جمعی در نظر گرفته شوند. با این حال، تجربه تاریخی نشان داده است که همه بحران‌ها لزوماً به تحول مثبت منجر نمی‌شوند. برخلاف خوشبینی نسبی مارکس نسبت به ظرفیت دگرگون‌کننده بحران، بسیاری از جوامع در دل بحران‌ها نه به سوی پیشرفت، بلکه به سمت فروپاشی، خشونت بیشتر یا بازتولید همان ساختارهای پیشین حرکت کرده‌اند. (ص ۵۷ و ۵۸)

آگاهی جمعی و باور به قدرت بی‌همتای یک جامعه یکپارچه از مهمترین پیش‌فرض‌های عبور از بحران است. از یک سو و بازسازی پایدار از سوی دیگر است. در لحظه‌های بحرانی، اندیشمندان و متفکران نقش مهمی در شکل‌گیری این آگاهی جمعی ایفا می‌کنند. آنان با تحلیل ریشه‌های بحران، ارائه تفسیرهای تازه از تاریخ و طرح چشم‌اندازهایی برای آینده، می‌توانند به جامعه کمک کنند تا مسیر خروج از بحران را بهتر تشخیص دهد. در بسیاری از دوره‌های تاریخی، اندیشه‌های نوین پیش از آنکه در عرصه سیاست و اقتصاد ظاهر شوند، در آثار متفکران و اندیشمندان شکل گرفته‌اند. (ص ۱۰۹)

تاریخ نشان می‌دهد که در بسیاری از بحران‌های بزرگ، ظهور رهبران خردمند و آینده‌نگر توانسته است مسیر یک ملت را تغییر دهد. این رهبران معمولاً دارای چند ویژگی مشترک بوده‌اند: توانایی درک عمیق بحران، قدرت ایجاد اعتماد در میان مردم، و شجاعت اتخاذ تصمیم‌هایی که گاه در کوتاه‌مدت دشوار اما در بلندمدت ضروری بوده‌اند. جرد دایموند نیز تأکید می‌کند که یکی از عوامل کلیدی عبور موفق ملت‌ها از بحران، «رهبری توانمند

در پذیرش واقعیت و هدایت جامعه» است (دایموند، ۲۰۱۹).

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های رهبری در زمان بحران را می‌توان در تجربه نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی مشاهده کرد. (صص ۱۱۸ و ۱۱۹)

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های فراموشی جمعی، فرهنگ یک جامعه است. فرهنگ تعیین می‌کند که یک ملت با گذشته‌ی خود چگونه برخورد می‌کند: آیا آن را ثبت، تحلیل و منتقل می‌کند، یا از آن عبور کرده و به فراموشی می‌سپارد؟ (ص ۱۶۶)

نقش آرشیو و مستندسازی در این میان بسیار حیاتی است.

ژاک دریدا در اثر خود در باره «تب آرشیو» تأکید می‌کند که آرشیو تنها محل نگهداری گذشته نیست، بلکه ابزاری برای شکل دادن به آینده است (ژاک دریدا، ۱۹۹۵). جامعه‌ای که گذشته خود را به درستی ثبت و نگهداری می‌کند، در واقع امکان تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر برای آینده را فراهم می‌سازد. (ص ۱۶۷)

در نهایت، می‌توان گفت که تکرار حوادث سخت در تاریخ یک کشور، اگر با مستندسازی، گفت‌وگوی آزاد، آموزش عمومی، آرشیو قابل اعتماد و اصلاح نهادی همراه نشود، حافظه جمعی را تقویت نمی‌کند؛ بلکه ممکن است آن را خسته، پراکنده و بی‌اثر کند. حافظه‌ای که بیش از حد زخمی و بی‌پناه باشد، گاه برای ادامه حیات، خود را بی‌حس می‌کند. اما حافظه‌ای که حمایت نهادی و فرهنگی داشته باشد، می‌تواند از رنج، آگاهی بسازد. برای ایران، شاید یکی از مهم‌ترین وظایف توسعه‌ی آینده، تبدیل «حافظه رنج» به «حافظه یادگیری» باشد. یعنی جامعه فقط نگوید چه بر ما گذشت، بلکه بپرسد: چرا گذشت؟ چه باید می‌دانستیم؟ چه نهادی کوتاهی کرد؟ چه چیزی باید ثبت شود؟ چه قانونی باید تغییر کند؟ چه آموزشی باید عمومی شود؟ و چگونه می‌توان از تکرار آن جلوگیری کرد؟ جامعه‌ای که فقط رنج‌های خود را به یاد می‌آورد، هنوز از تاریخ نیاموخته است؛ جامعه زمانی از تاریخ می‌آموزد که رنج‌های خود را به حافظه نهادی، آموزش عمومی و پیشگیری تبدیل کند. (ص ۱۷۶)

بحران، آینده‌ای است که جامعه را به خودش نشان می‌دهد. در این آینه، هم ضعف‌ها دیده می‌شود و هم ظرفیت‌ها. از سان و جامعه در بحران، تنها قربانی نیستند. کنشگرانی هستند که می‌توانند معنا بسازند و مسیر انتخاب کنند. بحران، نه فقط لحظه‌ای آشکار شدن ترس‌ها، بلکه لحظه‌ای دیده شدن ظرفیت‌ها نیز هست. (ص ۲۰۲)

ایران کشوری بدون تاریخ نیست، بلکه کشوری با تاریخی پرحادثه است. مسئله اصلی، نه کمبود تجربه، بلکه ضعف در تبدیل تجربه به حافظه فعال است. تکرار بحران‌ها، در غیاب نهادسازی، روایت‌سازی و آموزش، می‌تواند به فرسایش حافظه تاریخی منجر شود. در چنین شرایطی، جامعه نه به دلیل ناآگاهی، بلکه به دلیل گسست در انتقال تجربه، از گذشته خود کمتر می‌آموزد. (صص ۲۴۱ و ۲۴۲)

در نهایت، باید گفت که ایران، بیش از آن که با «کمبود ظرفیت» مواجه باشد، با «چالش در سازمان‌دهی ظرفیت‌ها» روبه‌رو است. ایران، برای عبور از بحران، نیازمند ساختن ظرفیت نیست؛ بلکه نیازمند دیدن، باور کردن و سازمان‌دهی ظرفیت‌هایی است که از پیش در خود دارد. (ص ۲۵۷)

ما اگر امروز در یکی از همان لحظه‌های سرنوشت‌ساز تاریخ قرار گرفته باشیم، چه انتخابی خواهیم کرد؟ تاریخ به ملت‌ها فرصت‌های بی‌پایان نمی‌دهد. گاه یک جامعه در برابر لحظه‌ای قرار می‌گیرد که تصمیم‌های آن می‌تواند مسیر آینده را برای دهه‌ها و حتی نسل‌ها تغییر دهد. در چنین لحظاتی، بی‌تصمیمی نیز خود نوعی تصمیم است و ادامه دادن راه گذشته، خود می‌تواند انتخابی تاریخی باشد.

«ملت‌ها در لحظه‌های سرنوشت‌ساز» از این جهت کتابی درباره گذشته نیست؛ کتابی درباره امکان‌های آینده است. این کتاب به ما یادآوری می‌کند که بحران‌ها اجتناب‌ناپذیرند، اما سرنوشت ملت‌ها در برابر بحران‌ها از پیش نوشته نشده است. آنچه اهمیت دارد، ظرفیت جامعه برای فهم بحران، شناخت ریشه‌های آن، گفت‌وگو درباره راه‌های خروج و مهم‌تر از همه، توانایی انتخاب آگاهانه در لحظه‌ای است که تاریخ در برابر آن ایستاده است.

شاید پس از خواندن این کتاب، دیگر به بحران‌های سیاسی و اجتماعی فقط به چشم «مشکلاتی که باید از آن‌ها عبور کرد» نگاه نکنیم؛ بلکه از خود بپرسیم:

این بحران چه چیزی درباره جامعه ما آشکار می‌کند؟

چه فرصت‌هایی را در برابر ما قرار داده است؟

چه انتخاب‌هایی هنوز امکان‌پذیرند؟

و اگر امروز در یک لحظه سرنوشت‌ساز ایستاده‌ایم، کدام انتخاب می‌تواند آینده نسل‌های بعدی را بهتر رقم بزند؟

ارزش واقعی این کتاب شاید دقیقا در همین‌جا باشد: خواننده را از تماشای تاریخ به اندیشیدن درباره نقش خود در تاریخ منتقل می‌کند. از این رو، خواندن «ملت‌ها در لحظه‌های سرنوشت‌ساز» صرفا مطالعه مجموعه‌ای از تجربه‌های تاریخی نیست؛ فرصتی است برای اندیشیدن به رابطه میان بحران و انتخاب، قدرت و جامعه، گذشته و آینده، و سرانجام میان آنچه بر ملت‌ها تحمیل می‌شود و آنچه خود می‌توانند بسازند.

و شاید مهم‌ترین پرسش در پایان کتاب هم‌چنان بی‌پاسخ بماند؛ پرسشی که باید آن را با خود به زندگی و جامعه‌مان ببریم:

وقتی لحظه سرنوشت‌ساز فرا می‌رسد، آیا ملت‌ها فقط قربانی تاریخ‌اند، یا می‌توانند تاریخ خود را تغییر دهند؟

برای یافتن پاسخ، باید این کتاب را خواند.

این کتاب ارزنده و آموزنده دکتر مسعود افتخاری، ۳۵ فصل و ۲۶۴ صفحه است و توسط نشر ارزان در استکهلم منتشر شده است.

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب از چاپ و نشر ارزان تهیه کنند.

آدرس چاپ و نشر: «کتاب ارزان» در استکهلم

Address: Sweden-Stockholm

Helsingforsgatan 15, 164 78 Kista

Email: info@arzan.se

TFN: 070-4926924

تماس با نویسنده:

info@dreftekhari.com